

بگذار طبقات حاکمه در مقابل انقلاب کمونیستی بر خود بلرزند.
کارگران در این میان چیزی جز زنجیرهای خود را از دست نیندھد،
ولی جهانی را بدست خواهد آورد.
کارگران جهان متحد شوید!

افزایش دستمزدها چندین برابر و فوراً

مصاحبه با شهلا دانشفر



shahla_daneshfar@yahoo.com

حداقل دستمزدها هم در میان کارگران و هم در میان مقامات دولت و پادوهای خانه کارگر و شوراهای اسلامی داغ است. کارگران میدانند که رقمی که در آخر هر سال از سوی شورای عالی کار تعیین میشود، مبنایی خواهد بود که میزان دستمزد آنها برای یکسال بعد را رقم زده و خود مبنایی است برای مبارزه و کشاکشهای بعدی بر سر افزایش دستمزدهایشان. از این رو در این موقع از سال خواست افزایش دستمزدها به موضوع بحث جدی محافل

انقلاب کارگری: به پایان سال نزدیک میشویم و مساله افزایش دستمزدها سنتا مطرح میشود، بنظرتان در حال حاضر چه بحثهایی در این رابطه بین کارگران وجود دارد؟
شهلا دانشفر: با نزدیک شدن پایان سال طبق معمول هر ساله بحث بر سر تعیین میزان

صفحه ۲

در ایران خودرو یک جنگ نابرابر در جریان است



کازم نیکخواه

k.nikkhah@ukonline.co.uk

خودرو سالن برش و پرس در اثر فشار ناشی از کار زیاد جان خود را از دست داد. امید اولادی کارگر ۲۲ ساله شرکت احیا گستر سبز (که یکی از شرکتهای پیمانکاری است) در حالی که روز یکشنبه در خط تولید در حین کار ساعت ۳ شب حالش به هم خورده بود بعد از تلاش چند روزه پزشکان بیمارستان شماره ۲ روز چهارشنبه فوت کرد و جنازه وی روز ۱۲-۱۰-۸۲ در میان تاجر مردم قائم شهر به خاک سپیده شد. این خبر از یک طرف تاریخ مرگ امید اولادی را روز جمعه پنجم دیماه اعلام میکند و در جای دیگری میگوید روز یکشنبه حالش بهم خورده و روز چهارشنبه فوت کرده است. همانگونه که از این خبر مشاهده میشود تاریخ مرگ امید اولادی در خیر دقیقاً معلوم نیست. جمعه پنج دیماه یا چهارشنبه ۱۰ دیماه یا...؟ همزمان با این خبر دیگر هم منتشر شد که حاکی از این بود که کارگران دست به اعتصاب زده اند و این اعتصاب با صدور اطلاعیه ای از سوی مدیریت پایان یافته است. خبرهای بعدی گویای اینست

روز ۵ دیماه کارگر دیگری بنام امید اولادی در ایران خودرو هنگام کار بیهوش شد و در بیمارستان شماره دو جان باخت. این دومین کارگری است که در عرض سه ماه و نیم به همین شکل در این کارخانه جان میبازد. در نکته قابل توجه دیگر اینست که هردوی این کارگران کاملاً جوان و سالم بوده اند. امید اولادی ۲۲ سال داشت و پیمان رضی لو ۲۵ ساله بود. خبر مرگ این کارگر جوان را خبرگزاریهای جمهوری اسلامی بسیار حاشیه ای، با چندین روز تاخیر و بطور مبهم و متناقض و مشکوک منتشر نمودند. خبرگزاری کار جمهوری اسلامی "ایلنا" در این مورد روز ۱۶ دیماه اینطور نوشت: روز جمعه (۵ دی) یکی از کارگران خط تولید شرکت ایران

صفحه ۵

مبانی کمونیسم کارگری سینار اول کمونیسم کارگری

منصور حکمت

صفحه ۶



nasser_asgary@yahoo.com

باید از تشکل شروع کرد!

ناصر اصغری

تعطیلی کارخانه و اخراج خود و عدم پرداخت ۴ ماه حقوقشان دست به اعتراض زدند. "کارگران و کارکنان آب و فاضلاب خرمشهر در اعتراض به دستمزدهای به تعویق افتادشان دست به تجمع زدند." پالایشگاه آبادان در آستانه تعطیلی قرار گرفته است. "کارکنان پتروشیمی اراک بار دیگر در اعتراض به لغو یک جانبه قرارداد استخدامی خود با وزارت نفت در محل این شرکت تجمع کردند." اینها فقط چند رقم از دهها خبر اعتراض کارگران است که اخیراً به مطبوعات

پیمان رضی لو و امید اولادی بر اثر شدت کار در ایران خودرو جان باختند. "کارگران کارخانه لولهسازی خوزستان و کارگران کارخانه فرش گیلان در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای خود دست به راهپیمایی و اعتراض زدند." "کارگران کارخانه لولهسازی خوزستان در اعتراض به واگذاری شرکت به بخش خصوصی، جاده اهواز - خرمشهر را مسدود کردند." "کارگران کارخانه حریر قائمشهر در اعتراض به

صفحه ۵

اطلاعیه جمعی از کارگران شهاب خودرو

صفحه ۲

اعترافات خودشان از وضعیت کارگران را بخوانید:

صفحه ۲

زنده باد جمهوری سوسیالیستی / نابود باد جمهوری اسلامی

ادامه

افزایش دستمزدها چندین برابر و فوراً

افزایش هر روز قیمت ها خواست افزایش فوری دستمزدها را به مساله ای حیاتی برای کارگران تبدیل کرده است. تحت چنین شرایطی امسال دولت خیلی زوتر از هر سال خود را برای رودرویی با کارگران و مبارزاتشان حول خواست افزایش دستمزدها آماده کرد. از جمله دو ماه قبل دولت با طرح برنامه بودجه سال ۸۳ بصورتی غیر مستقیم بحث انجماد دستمزدها و حقوق کارگران و کارمندان در سال آینده را به میان کشید. در واقع دولت با طرح مساله انجماد دستمزدها سعی کرد بر روی خواست افزایش دستمزدها از سوی کارگران سایه بیندازد و بقول معروف کارگران را به مرگ بگیرد تا به تب راضی شوند. خانه کارگر و شوراهای اسلامی نیز دست در دست دولت، بنا به نقش سنتی شان تلاش کردند خود را جلو بیندازند تا تحت عنوان اینکه قرار نیست امسال دستمزدها افزایش یابد، بالاخره رقمی پایین تر از حتی سال گذشته را به کارگران تحویل کنند.

در این میان زلزله بم و قربانی شدن بیش از هفتاد هزار نفر از مردم و ویران شدن زندگی و هستی کسانی که توانسته اند از این واقعه ناگوار جان سالم بدر برند نیز مولفه دیگری است که وارد قضیه شده است. رژیم میکوشد با بهانه قرار دادن زلزله بم، فشار کارگران برای افزایش سطح دستمزدها برای سال ۸۳ را کاهش دهد و اعتراضاتشان را عقب براند. به عبارتی روشنتر رژیم از یکسو خود عامل و مسبب اصلی کشته شدن هزاران نفر در زلزله بم و همه عواقب آنست و از سوی دیگر زلزله در بم را بهانه ای برای تعرض بیشتر به زندگی و معیشت کارگران و کل جامعه قرار میدهد. بنابراین تصویر واقعی

کارگران و کل جامعه ادامه دهد. بویژه در اوضاع سیاسی امروز جامعه. مساله اینست که امروز رژیم در اوج استیصال خود قرار دارد. مبارزات رو به گسترش مردم، فشارهای بین المللی و شکافهای درونی، رژیم را در موقعیت بسیار ضعیفی قرار داده است. از اینرو رژیم نمیتواند به همه آنچه که در نظر دارد، عینا عمل کند. اعتراض همه بخش های جامعه دانشجویان، معلمان، کارگران و همه مردم را فرا گرفته است. زلزله بم و کشته شدن هزاران نفر در زیر آوار آن به خشم و نفرت مردم شدت بیشتری داده است و همه مردم رژیم را عامل و مسبب اصلی این فاجعه میدانند. جامعه حالت بمبی انفجاری را بخود گرفته است که هر آن ممکن است به انفجار درآید. در چنین شرایطی اوضاع بیش از هر وقت به نفع اعتراضات کارگران و توده های مردم و تحمیل خواستههایشان است. باید گفت که این رژیم است که باید تاوان زلزله بم و همه عواقب انسانی آنرا بپردازد. برای مردم بم مسکن و زندگی خواهان فوری افزایش دستمزدهایمان هستیم. امسال با قدرت بیشتری باید به تدارک مبارزه برای خواست افزایش دستمزدها برویم و شوراهای اسلامی و خانه کارگر را از سر راه مبارزه مان کنار بزنیم. باید به مبارزاتمان حول خواسته های حق تشکل، جق اعتصاب، بیمه بیکاری، متوقف شدن فوری اخراج ها و دیگر مطالباتمان شدت بیشتری بدهیم. فاکتور تعیین کننده در عقب راندن تهاجمات رژیم و تحمیل خواستههایمان به آن، دامن زدن به اعتراضی سراسری و متحد و شدت دادن به مبارزه برای سرنوشتی این رژیم است. این وظیفه کارگران کمونیست و آگاه است و تهاجم خود به زندگی

که این افق روشن را در مقابل کارگران بگذارند و جایگاه مبارزات آنها را در چنین شرایطی نشان دهند. **انقلاب کارگری:** مسئولین جمهوری اسلامی در آماری که از وضعیت زندگی کارگران داده اند از ۴۰ درصد زیر خط فقر مطلق و ۶۰ درصد زیر خط فقر نسبی صحبت میکنند. یعنی طبقه کارگر با اینکه صبح تا شب کار میکنند همچنان توان برآورده کردن نیازهای اولیه خود را ندارند. در چنین اوضاعی آیا درست است که ما از افزایش معمولی دستمزدها صحبت کنیم، در حالی که دستمزدها باید زیرو رو شوند صحبت از افزایش چند درصدی نیست از چندین برابر شدن دستمزدهاست، نظر شما چیست؟

شهلا دانشجو: من صحبت شما را تایید میکنم. من راستش به این کلمه خط فقر حساسیت پیدا کرده ام. هر وقت صحبت از میزان حداقل دستمزد کارگران میشود فوراً خط فقر را ترازو قرار میدهند. وقتی از سید هزینه زندگی صحبت میشود، دو نوع سید هزینه زندگی وجود دارد یکی سید هزینه وکیل و وکلا و دستگاههای عریض و طویل دولتی و مفتخوران سرمایه دار است که در آن همه چیز از جمله داشتن کاخ های افسانه ای در بهترین نقاط

سیاست روز تعیین میکند که سطح آن کجا قرار بگیرد. برای نمونه دو سال پیش در ارقام دولتی سطح خط فقر ۱۸۰۰۰۰ تومان در ماه بود. سال گذشته هنگامیکه زمان تعیین حداقل دستمزد کارگران برای سال آتی فرا رسیده بود یکباره سطح آن را ۱۲۸۰۰۰ تومان اعلام کردند. این اعداد و ارقام هیچ اعتباری ندارند. در شرایطی که فروش کلیه قسمتی از بدن و جسم کارگر به راهی برای تامین کمک خرج خانواده های کارگری تبدیل شده است، بی پایه

صفحه ۴

انقلاب کارگری

شنبه ها منتشر میشود

سردبیر: امیر توکلی

تلفن: 00 358 405 821 776

ایمیل: tavakoli@hotmail.com

زنده باد جنبش مجمع عمومی!

صندوق همبستگی مالی با کارگران اعتصابی در ایران!

www.kargaran.org

سایت کارگران طبق اطلاعیه ای در ۵ ژوئن ۲۰۰۳ خبر از تشکیل صندوق حمایت مالی در دفاع از کارگران چیت به شهر داد. اکنون با شدت گرفتن جنبش سرنگونی مردم در ایران و شدت گرفتن جنب و جوش اعتراضی در میان کارگران این صندوق را به صندوق حمایت از کارگران اعتصابی در ایران اختصاص دادیم. با کمک به این صندوق به استقبال و حمایت از اعتصابات کارگران در ایران برویم.

واقعیت اینست که همیشه در شرایطی که کارگران دست به اعتصاب میزنند. بویژه اعتصابات طولانی مدت یکی از مسائلی که همواره بر دوش کارگران و تداوم و تحکیم مبارزه شان فشار میآورد مساله مالی است. بویژه در شرایطی که سطح دستمزد کارگران آنقدر نازل است که حتی کفاف اولیه ترین مایحتاج آنها را نمیکند، در شرایطی که در بخشهای وسیعی از مراکز کارگری کارگران ماهیست که دستمزدی دریافت نکرده اند، این فشار شکل حادث و جدی تری بخود میگیرد. صندوق همبستگی مالی با کارگران یکی از سنت های جافتاده در مبارزات کارگری و ظرفی برای ایجاد همبستگی و تقویت اتحاد در میان کارگران است. صندوق همبستگی مالی در حمایت از کارگران اعتصابی میکوشد که به این نیاز پاسخ دهد. به صندوق همبستگی مالی در دفاع از کارگران اعتصابی کمک کنید.

کمک های خود را به این شماره واریز کنید:

اسم بانک:

Name of the bank: Lloyds Bank

شماره حساب:

Account nr: ۰۰ ۴۴ ۲۶ ۱۵

Sort code: ۳۰ ۹۹ ۸۶

Name: A-J نام دارنده حساب:

سایت کارگران

شهلا دانشفر

۲ ژوئیه ۲۰۰۳

از سایت کارگران دیدن کنید

سایت کارگران منعکس کننده اخبار اعتراضات و مبارزات کارگران و بررسی مسائل گری جنبش کارگری است. با ارسال گزارش و خبر و مقالات و عکس در زمینه مسائل جنبش کارگری در ایران و جهان با این سایت همکاری کنید.

سردبیر: شهلا دانشفر

آدرس سایت: www.kargaran.org

آدرس ای میل: shahla_daneshfar@yahoo.com

اطلاعیه جمعی از کارگران شهاب خودرو

اعتصاب در کارخانه شهاب خودرو

متأسفانه در چند روز اخیر باند مافیایی شرکت شهاب خودرو با فشارهای مضاعف کاری و با ایجاد جو رعب و وحشت در محیط کارخانه سعی در به اصطلاح افزایش ظرفیت تولید را دارند و این در حالی است که هنوز کارگران زحمتکش از داشتن حق شیفت کاری و اضافه حقوق و همچنین شورای کارگری و سندیکا مستقل محروم میباشند و لذا شاهد پایمالی حقوق حقه کارگران هستیم.

در چند روز گذشته یکی از مدیران تولید کارخانه که زیر نظر مستقیم باند مافیای آستان قدس رضوی و عباس طیبی کار میکند و بشدت مورد تنفر کارگران میباشد با ایجاد فشار و تهدید به اخراج پرسنل سعی در ارباب کارگران مینماید که ناگهان با عکس العمل شدید کارگران کارخانه روبرو گردیده و صدای هو و استهزا آنان موجی از اعتراض سراسر کارخانه را فرا میگیرد و کارگران با دست کشیدن از کار به اعتصاب دست میزنند. در حال حاضر مدیران نالایق کارخانه شهاب خودرو که جز منافع شخصی و گروهی و جناحی به چیز دیگری نمی اندیشند با استخدام کارگران روزمزد و اخراج کارگران با سابقه سعی در استثمار و نابودی قشر کارگر را دارند.

ضمناً در پایان با جمعی از کارگران شهاب خودرو حمایت همه جانبه خود را از حقوق تمامی کارگران بالاخص کارگران صنایع خودرو سازی اعلام میداریم و امیدواریم با همبستگی تمامی کارگران در برابر مافیای حاکم به حقوق اولیه خود دست یابند که در این میان داشتن حق اعتصاب و حقوق بیمه بیکاری و از کارافتادگی و پرداخت اضافه کار از اهم آنها میباشد.

جمعی از کارگران شرکت خودرو سازی شهاب خودرو

shahabkhodro@hotmail.com

اعترافات خودشان از وضعیت کارگران را بخوانید:

سرمایه داران ثروتمندتر و مستضعفین روز به روز فقیرتر میشوند که با توجه به شرایط خاص کشور، کسی باید جوابگو این شرایط باشد.»

گرومی دبیر خانه کارگر قزوین: بسیاری از کارگران با وجود داشتن ۲۵ سال سابقه کار از داشتن مسکن محرومند و این امر نتیجه کوتاهی وزارت تعاون وزارت کار و سازمان مسکن است. بیش از ۸۰ درصد از حقوق کارگرانی که مسکن ندارند از طریق اجاره مسکن بلعیده میشود که کارگر برای جبران این هزینه مبیایست روزانه بیش از ۱۵ ساعت کار کند.

از طرف دیگر با جوانان جویای کار و افراد بیکار قراردادهای روزمرد و کوتاه مدت بسته و از این طریق افراد بیچاره را در اختیار سازمانها و واحدهای تولیدی قرار میدهند. در حالی که بسیاری از این سازمانها و واحدهای تولیدی به نیروی کار دائم و همیشگی نیاز دارند. موسسان این گونه شرکتهای خدماتی و پیمانکاری اغلب از مدیران و مسئولان شرکت جویای کار بوده و این افراد سودجو در پناه قوانین مصوب مجلس حق و حقوق کارگران را ضایع کرده و به دلیل نبودن امنیت شغلی و حمایت لازم، کارگران حاضر به هیچگونه اعتراضی نیستند. به واسطه چنین قوانینی و شیوه اجرای آنها نظام اقتصاد سرمایه داری ترویج شده و

جبار علی سلیمان نماینده جمهوری اسلامی در سازمان بین المللی کار در این سازمان گفت: «قوانینی در مجلس به تصویب رسیده و میرسد که محتوای آنها و عمل به آنها، جامعه را از عدالت اجتماعی دور کرده و به ضرر قشر کم درآمد است. از جمله این قوانین، تامین نیروی کار در سازمانها و شرکتهای دولتی و خصوصی از طریق شرکتهای پیمانی و خدماتی است. بررسی شیوه عمل شرکتهای پیمانی و خدماتی نشان میدهد که روش آنها تفاوت چندانی با برده داری در دوران جاهلیت و قرون وسطی ندارد. زیرا این قبیل شرکتهای از یک طرف در مناقصه سازمانهای دولتی و واحدهای تولیدی بزرگ شرکت کرده و قرارداد می بندند و

یک دنیای بهتر را بخوانید!

نشریه انقلاب کارگری از این سایت قابل دسترسی است

www.kargaran.org

کارگران جهان متحد شوید!

ادامه

افزایش دستمزدها چندین برابر و فورا

بودن و پوچ بودن همه این بحث ها را میتوان فهمید. فقر و تنگدستی ای که امروز جمهوری اسلامی بر طبقه کارگر و بر کل جامعه تحمیل کرده است حد و حساب ندارد و از همین رو امروز خواست افزایش حقوق و تامین زندگی به خواست فوری همه بخش های جامعه تبدیل شده است. به عبارت دیگر بربریتی که امروز رژیم اسلامی ایران بر طبقه کارگر تحمیل کرده است بر سطح انتظارات جامعه و بر موقعیت کارگر در جامعه نیز تاثیر گذاشته است. از جمله استانداردهای زندگی در ایران امروز حتی قابل مقایسه با استانداردهای امروزی جوامع سرمایه داری نیست. محیط های کار در ایران به اردوگاههای اجباری کار تبدیل شده است و بیشترین فشار ها بر کرده طبقه کارگر و توده محروم جامعه تحمیل شده است. به زلزله بم و ضایعات انسانی آن نگاه کنید. زلزله ای که از قبل مورد پیش بینی قرار گرفته بود، اما مردم در بی امکاناتی محض به حال خود رها شدند و بیش از صد هزار کشته و زخمی به جا گذاشت. این عین توحش است. در چنین شرایطی است که وقتی هم صحبت از تعیین میزان حداقل دستمزدها میشود خود بخود در چهارچوب مقذوراتی که رژیم تعریف میکند آنرا محاسبه میکنند. به نظر من دستمزد کارگر باید افزایش یابد برای اینکه بتواند یک زندگی انسانی شایسته بشریت امروز را داشته باشد. زندگی ای در سطح استانداردهای همه مردم دیگر در جامعه داشته باشد. بله به نظر من هم اگر امروز دستمزد کارگران حتی ده برابر افزایش یابد باز تازه به حدی خواهد رسید که کارگر بتواند از عهده پرداخت اجاره مسکن خود و تامین اولیه زندگی اش بر بیاید و هنوز از استانداردهای امروز جامعه بشری بسیار عقب

خواهد بود.

انقلاب کارگری: با این

وضعیت اسفباری که تازه کارگران شاغل درگیر هستند و کارگران بیکار دیگر زندگی شان قابل توصیف نیست، آیا فقط در سر سال مطرح کردن خواست افزایش دستمزدها نوعی کوچک دیدن این فاجعه و این تباهی عظیم نیست، آیا نباید ما فراخوانهای وسیعتر و خواستهایی همه گیرتر از افزایش دستمزدها را مطرح کنیم؟

شهلا دانشفرو: به نظر من نه

اینطور نیست. باید دو مساله مبارزه برای افزایش حداقل دستمزد سراسری کارگران در هر سال را با اینکه چه فراخوانهای دیگری به کارگران داد که جوابگوی مسائلی باشد که امروز با آنها دست به گریبانست جدا کرد. اینها آلترناتیو هم نیستند. به نظر من طرح افزایش میزان دستمزد کارگران بطور سالانه به معنی کوچک کردن ابعاد فاجعه ای که زندگی نه تنها کارگران بلکه کل کارگران را فرا گرفته نیست. طبعاً راه حل واقعی برای دگرگون کردن این شرایط سرنگونی حکومت اسلامی، به زیر کشیدن کل این نظام و پایان دادن به این بربریت است. اما نباید فراموش کرد، اینکه کارگران توانسته اند به دولت بقبولانند که هر ساله بر سر تعیین دستمزد و افزایش آن مذاکره شده و بر روی آن تصمیم گیری شود خود یک پیشروی در جنبش کارگری است. اینکه سرمایه داری در ایران ناچار شده که بپذیرد هر سال بر مبنای نرخ تورم و سید هزینه کارگران نرخ مزد را تعیین کند گامی به جلوست و بطور واقعی فشاری بر روی دولت و سرمایه داران میگذارد. این کار هر سال یکبار فرصتی بدست میدهد که طبقه کارگر بعنوان فروشنده نیروی کار قد علم کند و انتظارات خود را در مقابل حاکمیت و جامعه قرار دهد. طبعاً در نبود تشکلهای واقعی

کارگری، طبقه کارگر در تعیین نرخ دستمزد خود نمایندگی نمیشود و این خود دولت و سرمایه داران هستند که این وسط میبرند و میدوزند. بدون شک ارقامی که از سوی دولت بعنوان نرخ تورم، سطح خط فقر و یا سید هزینه خانوار کارگری ارائه میشود هیچ مرجع منتخب کارگری نظارتی بر تعیین این ارقام ندارد. اما در هنگام بحث بر سر تعیین دستمزد سراسری کارگر، طبقه کارگر در قامت اجتماعی خود در برابر دولت و سرمایه داران قرار میگردد. از اینرو اینکه طبقه کارگر چقدر زورش برسد و تا چه حد بتواند خواستش را تحمیل کند، به اتحاد و همبستگی او در این مبارزه، فشار اعتراضات او و توازن قوای سیاسی جامعه بستگی دارد. ما میگوییم حداقل دستمزدها باید توسط نمایندگان خود کارگران تعیین شود و میزان آن سالانه و در مقیاسی سراسری از طریق مذاکره جمعی نمایندگان تشکلهای کارگری با نمایندگان کارفرمایان و دولت تعیین و افزایش یابد. اما در شرایطی که کارگر از حق تشکل و حق اعتصاب محروم است همانطور که اشاره کردم تنها فاکتور تعیین کننده فشار اعتراضات کارگران است. در حکومتی که کارگر نه حق اعتصاب دارد و نه حق تشکل، تنها زبانی که میتوان با آن صحبت کرد اعتصاب و مبارزه است. بنابراین اگر بخواهم حرف را خلاصه کنم تعیین سالانه میزان حداقل دستمزدها به طبقه کارگر این فرصت را میدهد که سالانه به میدان آید و خواستههای خود را در برابر جامعه قرار دهد و در عین حال مکانیزمی باشد برای بالا بردن استانداردهای کل جامعه که بر سطح زندگی همه مردم و سطح انتظارات آنها نیز تاثیر میگذارد.

اما در پاسخ به ادامه سؤال شما و اینکه به جز خواست افزایش دستمزدها متناسب با

نرخ تورم امروز چه فراخوانهای سراسری دیگری میتوان به طبقه کارگر داد تا مبارزانشان را گامی به جلو ببرند، تا آنجا که به مبارزات جاری آنها مربوط میشود من میتوانم بر روی دامن زدن به جنبش مجامع عمومی منظم کارگری بعنوان حلقه ای کلیدی در قدرتیابی طبقه کارگر و اتحاد و همبستگی آن و یا فراخوان به اتحاد کارگری علیه بیکاری اشاره کنم و بر روی خواستههای فوری کارگران حق تشکل، حق اعتصاب، و دیگر خواستههای میرم آنان تاکید بگذارم. اما واقعیت اینست که برای رهایی از فقر و زندگی فاجعه باری که امروز کل جامعه با آن دست بگریبان است پاسخ اصلی مبارزه متحد علیه این رژیم و کلیت این نظام و به میدان آمدن طبقه کارگر در راس این مبارزه است. پاسخ اصلی سوسیالیسم یعنی بر پایی جامعه ای آزاد، برابر و بری از هر گونه ستم و استثمار است. وجود حزب کمونیست کارگری ایران امروز یک نقطه قوت مهم برای کارگران است. حزبی که پرچمدار چنین مبارزه ایست. فراخوان من به کارگران اینست که به حزب خود به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندند.

انقلاب کارگری: با تمام این

بحثهایی که داشتیم بنظر شما دستمزدها باید چند برابر شوند تا کارگران از یک زندگی انسانی برخوردار گردند؟

شهلا دانشفرو: ببینید شاخص های ما برای تعیین دستمزد کارگران روشن است. ما میگوییم حداقل دستمزد کارگران باید بر پایه نیازها و وسایل معیشت یک خانوار کارگری محاسبه گردد. طبعاً نیازهای خانوار کارگری نیز بر مبنای استانداردهای عمومی جامعه باید تعیین شود. بعلاوه این استانداردها باید متناسب با رشد هر روزه دنیای امروز و پیشرفتهای آن تغییر کند. با پیشرفت دنیای امروز هر فرد جامعه میتواند از بهترین امکانات زندگی،

خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت، درمان، آموزش و غیره و غیره برخوردار باشد. تامین فوری همه اینها خواست کارگران است. شاخص مهم دیگر برای تعیین میزان دستمزد کارگران اینست که دستمزدها باید متناسب با نرخ واقعی تورم تعیین گردد. واقعیت اینست که با رشد تورم مزدهای واقعی سقوط میکند و با بالا بردن اتومات دستمزدها متناسب با رشد آن باید سقوط سطح دستمزدها را ترمیم کرد. همچنین ما میگوییم میزان حداقل دستمزدها باید متناسب با رشد بارآوری کار و بالا رفتن استانداردهای جامعه و الگوهای مصرف آن تعیین گردد و افزایش یابد. همانطور که قبلاً نیز اشاره کردم در جامعه سرمایه داری کارگر همواره موجود فرودست جامعه به شمار میروند و اکثریت محروم جامعه را تشکیل میدهد. طبقات حاکم و سرمایه داران همواره تلاش کرده اند که محرومیت کارگران از بهره مندی از امکانات اجتماعی را امری طبیعی و عادی جلوه دهند و هر خواست و توقع کارگری برای بالا بردن زندگی شان زیاده روی و تن آسایی قلمداد شده است. بالا بردن سطح توقع و خواست کارگران و اینکه این حق بی برو برگرد کارگران است که از تمام مواهب و امکانات موجود زندگی بشری در جامعه استفاده کنند یک وظیفه مهم هر کارگر کمونیست و مبارزی است. اما اگر من بخواهم خلاصه کنم حرف من بسادگی اینست که در تعیین حداقل دستمزد باید زندگی شایسته انسان در آخر قرن مینا قرار گیرد و بر این اساس هزینه خانوار کارگری و در نتیجه میزان حداقل دستمزد کارگران محاسبه شود. بنابراین در پاسخ به سؤال شما من میگویم دستمزد کارگران امروز باید حداقل چندین برابر افزایش یابد تا جوابگوی یک زندگی انسانی برای او و خانواده اش باشد.

زنده باد انقلاب کارگری

ادامه در ایران خودرو

که دهها تن از کارگران ایران خودرو به دلیل شرکت در اعتصاب اخراج شده اند یا در حال اخراجند و حراست کارخانه بسیاری را احضار کرده است.

نتیجه اینکه دست اندرکاران این کارخانه همچنان که در مورد مرگ پیمان رضی لو ساعتی حتی به مامورین انتظامی حکومت اجازه ورود به کارخانه را ندادند تا صحنه مرگ او را دستکاری کنند، در مورد مرگ امید اولادی هم معلوم است که میخواهند چیزی را مخفی نمایند و بهمین دلیل در انتشار خبر دچار تناقض گویی شده اند. همه چیز بیانگر اینست که در ایران خودرو جنگی نابرابر در جریان است. جنگی که در یک سوی آن کارفرما و حراست و جمهوری اسلامی قرار دارند و در سوی دیگر کارگران ایران خودرو قرار دارند که ایستاده اند و اعتراض و مبارزه میکنند. این کارگران احتیاج به کمک و همیاری همه کارگران و همه مردم شریف دارند. صدای اعتراض کارگران ایران خودرو را باید در همه جا منعکس کرد. این کارگران مدتهاست دارند به شرایط کشنده و برده وار کار در این کارخانه اعتراض میکنند.

مرگ دو کارگر در فاصله حدود سه ماه برآستی تکان دهنده است. از کنار این رویداد نباید براهتی گذشت. این چه کارخانه ای است که در عرض

سه ماه و چند روز دو کارگر جوان در آن در اثر کار و نه در اثر سوانح و غیره کشته میشوند؟ اگر دو کارگر جوان در عرض این مدت کوتاه هنگام کار بیهوش میشوند و میمیرند این به آن معناست که دهها کارگر مریض و معلول و ناتوان و علیل میشوند و از کار می افتند که اخبار آن در هیچ کجا منتشر نمیشود.

در ایران خودرو شیپور جنگ علیه طبقه کارگر علنا به صدا در آمده است. ایران خودرو یک نمونه از تاخت و

ادامه می یابد و کار به مرگ دومین کارگر در عرض مدت کوتاهی میکشد، و بازهم این کارگران معترض به مرگ او هستند که باید مجازات شوند و نه جنایتکارانی که کارگران را اینگونه به کار برده وار ادا کرده اند، این نشانه آنست که کارگران دارند در به زیر کشیدن این حکومت و این نظام تاخیر میکنند. جنگ علیه ما عملا مدتهاست آغاز شده است. باید بدون ابهام به این جنگ پا گذاشت و علیه شرایط برده واری که هرروز



تاز بیرحمانه صاحبان سرمایه علیه کارگران در ایران را منعکس میکند. این هشدار را همه کارگران و بویژه رهبران کارگری باید جدی بگیرند. اگر کارگری در زیر فشار برده وار کار نابود میشود و دولت اسلامی سرمایه داران بجای بررسی علل مرگ او همکاران معترضش را با اخراج و تهدید و خفقان مورد حمله قرار میدهد، اگر مرگ اولین کارگر نه فقط درسی برای تغییر شرایط کار نه به کارفرما و نه به حکومت نمیدهد بلکه مکیدن شیره جان کارگران همچنان و شاید بدتر از قبل

درد از کارگران صدها و هزاران قربانی میگیرد یک پارچه اعتراض کرد. باید به این جنگ پا گذاشت و به یکه تازی سرمایه دارانی که با مشاهده بی آیندگی نظام و دولتشان، در فکر اینند که هرچه میتوانند امروز بچاپند و بدزدند و بالا بکشند و بعد هم اگر کارشان به بن بست رسید اعلام ورشکستگی کنند و در بروند، پایان داد. این زندگی کارگران است که با هر یک روز ادامه این اوضاع برده وار و نابهنجار دارد برآستی قربانی میشود.

شد و در اولین قدم جمهوری اسلامی را با افق بریانی یک حکومت کارگری، از سر راه برداشت. و این همانطور که بالاتر اشاره کردم، بدون تشکل و در ارتباط نزدیک بودن تشکل بخشهای مختلف کارگران امکانپذیر نیست.

جمهوری اسلامی هزار و یک بلا در همین یک سال گذشته سر کارگران آورده است. هرگاه هم کارگر جرأت کرده و به این وضعیت اعتراض کرده باشد، بسیجی و آژان سراغش فرستاده اند، به زندان انداخته اند و یا همانجا به گولمالش بسته اند. این رژیم منطق سرش نمی شود، و باید

کارشکنی کرد؟ دست از کار کشید؟ و و. به نظر من کارگر برای حتی پیش پا افتاده ترین تصمیم هم احتیاج به تشکل دارد. باید در اولین قدم به فکر سازمان دادن مجامع عمومی و در قدم بعد شوراهای کارگری بود. کارگران هر بخشی برای اینکه بتوانند در مبارزه شان مؤثرتر باشند احتیاج به هماهنگی با کارگران بخشهای دیگر دارند. و این تنها با مرتبط بودن تشکلهایشان ممکن است. باید اینطور به مساله نگاه کرد: اگر بخواهیم تلفات را به حداقل برسانیم و سریعتر به مقصد برسیم، باید متشکل

ادامه مبانی کمونیسم کارگری

ای دارد، گرایش کمونیستی در درون طبقه کارگر هم وجود دارد. یکی ممکن است بگوید ولی اینها کمونیستهای پرو-روس هستند، پرو-چین هستند و غیره. اما علت اینکه کارگر پرو-روس یا پرو-چین میشود، این است که کارگر بدوا سوسیالیست است. و اینها را بعنوان پرچم ها و قطب های سوسیالیسم قبول میکنند. چین یا شوروی آن جهتگیری را در درون طبقه کارگر ابداع نمیکند بلکه سعی میکنند آن را بخود کانالیزه کنند. آن جهتگیری سوسیالیستی بدلیل وجود عینی سوسیالیسم در طی قرن و انقلابات و جنبشهای سوسیالیستی بوجود آمده و قطب های باصلاح مکتبی سوسیالیسم در این متن کار میکنند. اما گرایش کمونیستی درون طبقه روی پای خودش ایستاده است، پایه اش مبارزه طبقاتی پشت سرش است نه فراخوان چین یا شوروی. بهرحال میشود تضمین کرد که در هر کشور سرمایه داری که پا بگذارید، یک طبقه کارگر دارد که به درجه ای اعتراض و مقاومت میکند و تحرکی علیه سرمایه دار نشان میدهد و مطمئن باشید میتواند گرایشهای سوسیالیستی در بین این کارگران پیدا بکنند. در آخر قرن بیستم این را هم من تضمین میکنم که اگر بروید در آن گرایشهای سوسیالیستی بگردید آثار لاسال را نمی بینید آثار مارکس را می بینید. این گرایش کمونیستی کارگری واقعی عینی است. واقعی مادی است بیرون از، و مقدم بر، همه احزاب سیاسی که در درون طبقه کارگر فعالیت میکنند. **ادامه در شماره بعد**

میکند، میگوید "اینقدر نسنجیده استقلال استقلال نکنید، کشور را میدهند دست خودتان بعد شما میروید جواب آن کارگری را بدهید که فردای استقلال، نان میخواهد، خانه میخواهد، بهداشت میخواهد." ما انعکاس مبارزه طبقاتی را در این هشدار امثال نهرو می بینیم که در یک کشور تازه مستقل شده - که معلوم نیست چند تا کارخانه دارد و پرولتاریايش چقدر است - دارد به بورژوازی نسبت به یک عینیتی که دیر یا زود با آن روبرو میشود هشدار میدهد. میگوید اگر کشور دست خودتان بیافتد، آنوقت بعنوان یک کار دایمی یک دولت مستقل باید جواب مبارزه طبقاتی را بدهید. او این را میفهمد که این جدال یک واقعیت است. که بالاخره هرجا کارخانه هست و هرجا کارخانه بسازند، کارگر میاید و مطالباتش را مطرح میکند. بر مبنای این مبارزه طبقاتی و این کشمکش که نیروی محرکه واقعی تحول جامعه است، عقاید، سیاستها، احزاب و غیره شکل میگیرند و سرنوشتشان تعیین میشود. بر مبنای این کشمکش عینی و مادی است که گرایش کمونیستی در طبقه کارگر وجود دارد و کار میکنند. اگر این حرف برای دویست سال پیش، دوره ماشین شکنی، کمی افراطی بنظر برسد، الان دیگر اینطور نیست. بعد از صد و سی چهل سال که کتابهای مارکس در صدها هزار نسخه در هر کشوری پخش شده، در زمانی که همه اسم سوسیالیسم و کمونیسم را شنیده اند، تضمین رسمی میشود داد که در هر کشوری طبقه کارگری هست و مطالبه

هرچه زودتر سرنگون شود و کورش را کم کند. باید طبقه کارگر این مهم را رهبری کند. و برای آن احتیاج مبرم به تشکل دارد. پیش بسوی سازمان دادن مجامع عمومی و شوراهای کارگری!

یک دنیای
بہتر
را بخوانید!

" Let the ruling classes tremble at a
Communist revolution. The proletarians
have nothing to lose but their chains. They
have a world to win."

WORKERS REVOLUTION

Nr. 8

10.01.2004



مبانی کمونیسم کارگری سمینار اول کمونیسم کارگری (مارس ۱۹۸۹)

قسمت ششم

کمونیسم کارگری بعنوان
یک واقعیت اجتماعی

کمونیسم کارگری بعنوان یک واقعیت اجتماعی چیست؟ بنظر من کمونیسم کارگری، انعکاس اعتراض کارگر به سرمایه داری است. جامعه سرمایه داری چند صد سال است که بوجود آمده، طبقه کارگر نوینی، پرولتاریا، در دل این جامعه و همراه آن بوجود آمده و در کشمکش روزمره با سرمایه است. این کشمکش دائمی و روزمره جریاناتی را در درون طبقه کارگر بوجود آورده که برای وضع موجود آلترناتیو میدهند، جریاناتی را بوجود آورده که آرمانهایی فراتر از آن مبارزه روزمره را دنبال میکنند و یکی از این جریانات کمونیسم کارگری است. کمونیسم کارگران این حرکت دائمی است و وجود دارد. ناشی از ماهیت سرمایه و سرمایه داری است، مشتق از وجود عینی طبقه کارگر بعنوان یک قشر اجتماعی است و یک حرکت را نشان میدهد نه صرفاً یک سلسله باورها، یک کشمکش را نشان میدهد، یک مبارزه را در جامعه نشان میدهد.

بستر پیدایش کمونیسم کارگری، همان سوسیالیسم طبقه کارگر است که بیش از دوپست سال قدمت دارد و مارکس در مانیفست کمونیست اصلاً با اشاره به همین حرفش را شروع میکند. (و من بعداً به این برمیگردم). کمونیسم کارگری بعنوان یک

واقعیت اجتماعی، آن حرکت آگاهانه ای است که در درون طبقه کارگر علیه سرمایه شکل میگیرد. این مبارزه لحظاتی و دقیق خودش را دارد. خیلی از لحظات این کمونیسم کارگری با لحظات جنبش کمونیستی یکی بوده است. بین الملل اول بطور قطع یکی از دقیق این جنبش و واقعه ای متعلق به این حرکت است. انقلاب اکتبر بدون شک یکی از دقیق و حرکتی این جنبش است. ولی کمونیسم کارگری فقط به اینگونه واقعیات و تحولات محدود نمیشود. همانطور که گفتیم جریان کمونیسم کارگری، یک جریان اجتناب ناپذیر و دائمی در قرن بیستم است. من در سنت این کمونیسم کارگری اعتصاب یکساله معدنچیان انگلیس را هم میگذارم. برای کسی که از بیرون یاد گرفته جنبش ها را با شعارها و باورهایی که از خود پرور میدهد قضاوت کند، ممکن است اعتصاب معدنچیان هیچ ربطی به کمونیسم پیدا نکند. ولی جنبش اجتماعی طبقه کارگر علیه سرمایه داری، اعتصاب معدنچیان انگلیس را بطور قطع در خودش جای میدهد. وقتی که معدنچی را بیکارش میکنند و مجبور است ذغال جمع کند، از معدنی که خودش روی آن کار کرده است، خرده ذغالیهای هائی که اینجا و آنجا ریخته است، و وقتی پلیس میآید نگذارد، این جمله را میگوید که بنظر من فقط تکرار

مانیفست کمونیست است: "من پول این ذغالها را جد اندر جد با خون خودم و پدرم پرداخته ام. اینها مال من است." این کمونیسم کارگری است. این باور باوری نیست که مارکسیسم در طبقه کارگر بوجود آورده باشد، ابداع مارکسیسم باشد و یا ریزینیوم بتواند از طبقه کارگر پس بگیرد. طبقه کارگر اعتراض که میکند، وقتی که رودرری سرمایه دار قرار میگیرد، در هر گوشه دنیا که بروید این حرکت در آن وجود دارد و این جمله و این حکم از آن بیرون که میاید که اینها مال ماست، ما تولیدش کرده ایم. و این حرف علیه مالکیت بورژوازی است. به این ترتیب کمونیسم کارگری دقیق خودش را دارد. بعنوان یک حرکت وقفه ناپذیر است. اما تاریخ کمونیسم کارگری فقط تاریخ این اعتراض و "خودبخودی" مقاومت جاری و "خودبخودی" ضد سرمایه داری نیست. بلکه تاریخ نقد سوسیالیستی و کمونیستی جامعه هم هست. در دل این جنبش است که سوسیالیسم و کمونیسم بمثابة اندیشه و نقد و جهان گری آگاهانه تمییز میشود. متفکرین سوسیالیست، احزاب سوسیالیستی و کمونیستی در دل این تاریخ عروج میکنند. به اینها بعداً میپردازم. منتهی در این سطح بحث میخواهم فقط به آن مبنای اجتماعی اساسی کمونیسم کارگری اشاره کرده باشم. خواستم اینرا بگویم که آنجا که در جنبش طبقه

کارگر بورژوازی زیر سوال میرود، مشروعیت استثمار و مالکیت بورژوازی زیر سوال میرود، و آلترناتیو به آن پیشنهاد میشود، اعتراض میشود و این اعتراض از زاویه سوسیالیستی و طبقاتی صورت میگیرد، این مبنای دائمی و وقفه ناپذیر وجود و پیدایش کمونیسم کارگری بعنوان یک پدیده عینی است. کمونیسم کارگری یک واقعیت عینی است بخاطر عینیت خود مبارزه طبقاتی. یکی از وجه نامطلوب انتقال پرچم و سخنگوئی کمونیسم و سوسیالیسم انقلابی از طبقه کارگر بدرون طبقات دارا این بوده که معنا و مفهوم مبارزه طبقاتی هم مطابق موقعیت بورژوازی و روشنفکر و متفکر بورژوا عوض شده است. من در کنگره سوم حزب هم به این اشاره کردم. مبارزه طبقاتی یک مبارزه دائمی است، یک مبارزه وقفه ناپذیر است. مارکس میگوید که هر جا که استثمار هست مقاومت هم علیه آن هست. مارکس میگوید مبارزه طبقاتی موتور تاریخ آن چیزی است که دائماً تاریخ را به جلو میبرد. مبارزه طبقاتی وقفه ناپذیر است. تاریخ واقعی تاریخ این مبارزه طبقاتی است. این مهمترین موضوع تاریخ است. خیلی ها این را قبول نمیکنند که بطور دائمی یک مبارزه طبقاتی در جریان است.

میگیرید مبارزات ملی هست، مبارزات نژادی هست، مبارزات سیاسی و فرهنگی هست و غیره. اما تمام بحث مارکس اینست که پشت همه اینها یک کشمکش اساسی طبقات آن دوره جامعه و آن شیوه تولید وجود دارد. تاریخ چیزی نیست جز قانونمندی تاریخ. وقتی یک مارکسیست از تاریخ حرف میزند، دارد از قانونمندی آن و از دینامیسم آن حرف میزند. تاریخ را که میخواهید توضیح بدهید باید بگوئید چرا جامعه دارد تغییر میکند، چرا این وقایع دارد رخ میدهد چرا جامعه از یک شکلی به شکل دیگر درمیآید. پشت اینها مبارزه طبقاتی است. برای اینکه مبارزه طبقاتی را ببینید بنابراین لازم نیست فقط کارگران را در میدانها با شعارها و پرچمهایشان ببینید. مبارزه طبقاتی را میتوانید در انعکاس آن در بورژوازی ببینید. و این مثال را در کنگره هم زدم: بورژوازی همه جای دنیا دارد پیشاپیش به استقبال وجود یک طبقه کارگری که مطالبات خودش را دارد میرود، پیشاپیش جوابهایش را در مقابل مراحل جدید و حلقه های جدید مبارزه اقتصادی ای که هنوز سر نگرفته حاضر میکند. نهر در یکی از نخستین کنفرانس های کشورهای غیرمتعهد که در آن از استقلال صحبت

صفحه ۴

آزادی برابری حکومت کارگری